

اکران فیلم‌های منتخب

«سینما حقیقت»

در ۴۲ شهر

مسعود سفلایی، معاون مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی و مدیرگروه سینمایی «هنروتجربه» با تأکید بر لزوم نمایش فیلم‌های مستند در سراسر کشور اعلام کرد: براساس برنامه‌ریزی صورت‌گرفته از سوی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و هماهنگی با مراکز استان‌ها و شهرها و همچنین موافقت صاحبان آثار، ۲۴ فیلم مستند منتخب بلند، نیمه‌بلند و کوتاه حاضر در

گفت‌وگو با مریم الهامیان، کارگردان مستند خانواده خلج

فیلمی در ستایش مادرانگی

مستند «خانواده خلج» به کارگردانی مشترک مریم الهامیان و مصطفی حاجی‌قاسمی که در هفدهمین جشنواره سینما حقیقت با تجسین تماشاگران مواجه و برنده جایزه بهترین کارگردانی فیلم بلند شد، از ۳۰ آبان در سینماهای گروه هنر و تجربه در حال اکران است. خانواده خلج با رویای ساختن یک واحد تولیدی مرغداری تمام دار و ندارشان را می‌فروشند و به بیابانی در استان اصفهان می‌روند. آنها مدت‌ها درگیر تبعات این تصمیم هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ روحی بودند و مادر این خانواده به عنوان قهرمان داستان شناخته می‌شود که برای احقاق حقشان کفش آهنی به پا می‌کند. او که نماد یک زن و مادر ایرانی موفق و پر تلاش است، به همراه پدر خانواده و فرزندان‌شان سال‌ها مقابل بانک می‌ایستند تا مانع پس گرفتن مرغداری شوند. تنها شخصی که در این فرآیند طولانی ناامید نمی‌شود، مادر خانواده است. اکران این مستند و تقارن این گفت‌وگو با روز مادر بهانه‌ای شد تا با مریم الهامیان یکی از کارگردانان این مستند گفت‌وگو کنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:



نسرین بختیاری گروه فرهنگ‌و‌هنر

۹۱ همان طور که می‌دانید سوزہ‌های خوبی برای پرداخت وجود دارد، اما بعضی سوزہ‌ها قابلیت تبدیل به فیلم مستند بلند را ندارند. چطور به این نتیجه رسیدید خانواده خلج سوزہ خوبی برای تبدیل به فیلم مستند است؟

من وافشین خلج (پسر خانواده) در یک سفر طبیعت‌گردی بودیم که فهمید فیلمساز هستیم. او پیشنهاد داد که از داستان زندگی آنها فیلمی تهیه کنم. بعد من، آقای حاجی‌قاسمی و افشین خلج جلسه‌ای گذاشتیم و ایشان زندگی‌شان را برای ما تعریف کردند و بعد مستنداتی که در دست داشتند را به ما ارائه کردند. در این میان ما نیز در گروه خودمان جلسه‌ای گذاشتیم تا به این نتیجه برسیم که آیا می‌توانیم روی این سوزہ کار کنیم یا نه، در واقع پیشنهاد از طرف خود سوزہ به ما داده شد که از جمله اتفاقات نادر در عرصه مستندسازی است و قابلیت‌های داستانی این موضوع را بررسی کردیم. درواقع نگاه‌های متفاوت، موقعیت دراماتیک یک تولیدی، روحيات پدر برای داشتن کارگاه تولیدی در کوه و کمر و رها کردن کارش در اوج جوانی در بازار تهران، همچنین شخصیت متفاوت هریک از سه فرزند خانواده که هر کدام داستان‌هایی برای خودشان دارند و در عین حال بررسی آسیب روحی که این ورشکستگی مالی برایشان ایجاد کرده، موجب شده به این سوزہ بپردازیم. بنابراین، با توجه به این‌که گزینه‌های خوبی که برای شخصیت‌پردازی در داستان برای هر کدام از افراد داشتیم، قابل اعتنا بود. من قبل از خواندن ادبیات نمایشی، مدرک صنایع غذایی داشتم و فضای کارخانه و تولید را می‌شناختم. وقتی به این نتیجه رسیدیم که سوزہ خوبی داریم، بررسی کردیم تا ببینیم مواد لازم برای پرداختن سینمایی را داریم یا خیر؟ پدر خانواده این روحیه را داشت که از همه چیز فیلم بگیرد. او مقدار زیادی عکس و فیلم از اتفاقاتی که در زمان تأسیس تا ورشکستگی مرغداری افتاد، داشت و این آرشیو خیلی به ما برای ساخت فیلم کمک کرد. به عنوان مثال، اگر می‌خواست جایی برای اعتراض برود و وامی بگیرد، عکس و فیلم می‌گرفت و می‌رفت.

۹۲ پس آرشیو عکس و فیلم خانواده خلج به شما خیلی کمک کرده است.
بله - من و همسرم می‌خواستیم زمان‌مان را روی کاری بگذاریم که ارزشش را داشته باشد. حرف شما درباره داستان‌هایی که قابلیت پرداختن به شکل فیلم بلند دارند کاملاً درست است؛ چون اگر قابلیت لازم وجود نداشته باشد، به زمان و انرژی صرف شده ما لطمه می‌زند. سوزہ اول باید کارگردان را قانع کند و بعد از این‌که به دل او نشست، به دل مخاطبان هم می‌نشیند. پژوهش

تصویری که انجام دادیم، ما واقع‌تر کرد. در واقع برای چیزی که وجود داشت، بستر فراهم کردیم. اما مادر میانه درمانگری آسیب‌ها و تروماهای روحی که به افشین وارد شد، وارد داستان شدیم.

۹۳ چقدر فکر می‌کنید همکاری شما با همسرتان مصطفی حاجی‌قاسمی در خروجی و بهتر شدن کار نقش دارد؟

ما سال‌ها با یکدیگر کار فیلمنامه‌نویسی را انجام می‌دادیم و همکاری من با ایشان ابتدا در بخش نویسندگی و پژوهشگری بود. ما زمانی که می‌خواهیم یک پروژه را آغاز کنیم برای بخش‌های مختلف جلسه می‌گذاریم. در واقع یک بارش فکری در جلسات برای فیلمنامه‌نویسی داریم و بعد از آن به طرح اولیه می‌رسیم و یکی از ما مسئول نوشتن طرح اولیه می‌شود که معمولاً من می‌نویسم و بعد با هم آن را چکش‌کاری می‌کنیم و به فیلمنامه می‌رسیم و سپس برای شکل کارگردانی و این‌که چه رویکردی به سوزہ داشته باشیم، جلسه می‌گذاریم. در واقع شکل کارمان به گونه‌ای است که حتی بدون گفت‌وگو و صرفاً از نگاه هم منظور را می‌فهمیم. با توجه به بازخوردی که دریافت کردیم، متوجه شدیم مخاطبان با ما همدل و همراه می‌شوند.

۹۴ حضور شما به عنوان کارگردان زن و ارتباطتان با خانم خلج که به نوعی قهرمان این مستند شناخته می‌شود، چقدر در نمایش میزان استقامت او برای رسیدن به هدفش و انتقال حس و عاطفه مادری به مخاطبان تأثیرگذار است؟

به طور کلی شخصیت خانم خلج خاص است و به معنای واقعی عاشق کار، تولید و مرغداری است. علت علاقه او به مرغداری این است که صفر تا صد پای کار ایستاده و آنجا را بزرگ کرده است. این تنها از وجه مادرانه خانم خلج سرچشمه می‌گیرد که دانه به دانه و خشت به خشت از یک زمین بایر یک مرغداری می‌سازند و به قدری شکست می‌خورند که این کار را یاد می‌گیرند. به طور طبیعی ارتباط عاطفی من و خانم خلج در طول ساخت مستند بر رضایت‌مندی مخاطبان تأثیر بسزایی داشته است. من ساعت‌ها کنار او بدون دوربین می‌نشستم و صحبت می‌کردم و مشخص است که این رابطه عاطفی داخل کار به خوبی مشخص می‌شود. فکر می‌کنم نوعی از رابطه عاطفی مادر و فرزند ی بین ما ایجاد شد.

۹۵ خیلی کم پیش آمده که در کل سینمای ایران قهرمانان خانم باشند و این موضوع در دایره فیلم مستند تنگ‌تر می‌شود؟

خانواده خلج خیلی یک سفره و یک کاسه هستند و به عنوان مثال، اگر کسی

هجدهمین دوره جشنواره فیلم «سینماحقیقت» طی دو مرحله در دی ماه جاری برای اولین بار و به‌صورت گسترده در ۴۲ شهر به نمایش درمی‌آیند. وی ادامه داد: فیلم‌های روزگار احمد، پلوره، چمدان آبی، پشت کوه‌های علی‌زنگی، کول‌انداز، عظمت خانم، لب شور، کیمیاگر، عاتقه، بچه سوم، جاده هشتاد و یک، مامان، گلیهار، توبه کوچ عادت داشتی، بوم ایرانی، خشت و خون، آدریانا مسافری از



خودرویی می‌خرید، آن را در اختیار همه می‌گذاشت و هرکس در خانواده دچار مشکلی می‌شد، همه باهم کمک می‌کردند تا مرتفع شود؛ این نتیجه تربیت خانواده و به خصوص خانم خلج به عنوان مادر خانواده است. خانم خلج مثل تمام مادران ایرانی فداکار و از خودگذشته است و مادرانگی خاصی دارد و در اوج روزهای پرفرش کار در مرغداری، تیروکماني برای فرزندش با قرض و چک خرید و پسرش تا مرتبه تیم‌ملی پیشرفت کرد. خانم خلج حتی مادر جوجه‌ها هم بود؛ چون حواسش به موضوع تغذیه آنها نیز بود. بنابراین، مادرانگی خانم خلج هم برای جوجه‌ها و هم بچه‌ها بود. در عین حال ایشان به اشتباهات خودش هم در ارتباط با بچه‌ها و خیلی مسائل دیگر اعتراف می‌کند. مادرانگی یعنی این‌که اگر در اوج موفقیت در کاری هستیم، بپذیریم که اشتباهاتی هم ممکن است مرتکب شویم. ایشان با حس مادرانگیش به فرزندان کارگران افغانی درس می‌دهد تا بی‌سواد نمانند. همچنین در فیلم هم می‌بینیم که ایشان برای حقوق زنان ارزش ویژه‌ای قائل است و این نشانه شرافت مادرانه است که می‌گوید حقوق کارگران زن باید با مردان برابر باشد. البته ما قدیس بسازیم بلکه هرکس ویژگی‌های مثبت و منفی خاص خود را دارد و همه مادران ممکن است خطاهایی داشته باشند، اما وجه مثبت ایشان بیشتر از وجوه منفی‌شان است. به عبارتی، شخصیت زمانی شکل می‌گیرد که تمام ابعادش را ببینیم و مادرانگی خانم خلج خیلی پررنگ‌تر از دیگر وجوه اوست. البته اگر آقای خلجی نبود که بخواهد رؤیای بزرگی داشته باشد و خانواده‌ای کارفرین را با شجاعت تشکیل دهد، هیچ کدام از این اتفاقات پیش نمی‌آمد.

ایتالیا، اجاق نواز، چشم کویر، قلعه خاموش، آبه، روبازو، آلبوم خانوادگی من و سایه باران آثاری هستند که برای نمایش آنها برنامه‌ریزی شده است. سفلایی با اشاره به این‌که نمایش این فیلم‌ها با استفاده از ظرفیت سینماها و اطلاع‌رسانی گروه سینمایی «هنروتجربه» انجام می‌شود، افزود: با توجه به تعطیلات گسترده در شهرهای مختلف، تصمیم گرفته شد این نمایش‌ها در دو هفته برگزار شود.

۹۶ یکی از وظایف مستند مطالبه‌گری است و «خانواده خلج» مستندی مطالبه‌گر بود و ماجرابی را از صفر تا صد پیگیری و به نتیجه می‌رساند. چرا به نظر می‌رسد مستندسازان کمتر سراغ این نوع سوزہ‌ها می‌روند؟

محمد حمیدی مقدم اصطلاحی را درباره خانواده خلج به کار می‌برد و می‌گفت شما باهمه تند و تیزی رویکردتان در مستند، مطالبه‌گری مؤدب هستید. مطالبه‌گری یعنی روی مسأله‌ای تمرکز کنیم که به عنوان بحران رخ داده و در هزاران پرونده نادیده گرفته شود و بر آن نوری بیندازیم تا به آن نکته و ابعادش بیشتر توجه کنیم. این مطالبه‌گر بودن به معنای این است که ابعاد و پیامد تصمیم هر مسئولی در مجلس را به طور مستقیم به او نشان دهیم که گاهی موجب نابود شدن یک تولیدی و کار تولیدکننده شود. به نظرم مستندسازان کارشان را خوب انجام می‌دهند و در سوزہ‌های عادی‌شان هم برون‌ریزی و افشاگری دیده می‌شود. مستندسازان واقعاً باید صبور باشند؛ چون بعد از چند سال به نتیجه می‌رسند. معتقدم باید شرایطی فراهم شود که هم سوزہ و هم زمانه برای مطالبه‌گری همراهی کند و این مقداری کار سختی است.

۹۷ در این فیلم رویکرد روانشناسانه‌ای به فرزندان دارید که تحت تأثیر چالش‌ها و سختی‌های مالی خانواده و تولیدکننده بودن قرار می‌گیرند و درگیر آسیب روحی می‌شوند. لطفاً در رابطه با این رویکرد صحبت کنید.

این فیلم کارکرد درمانگری برای خانواده داشت؛ شاید کل این خانواده یک تروما، فشار و آسیب روحی و مشکلاتی را پشت سر گذاشتند. این‌که ۴۰ نفر ضامن- تخلف است که ۴۰ ضامن تعیین شود- به در خانه شما بیایند، بخواهند شما را دستگیر کنند، دعوا راه بیندازند از ترس این‌که مبادا حساب‌هایشان بسته شود و بانک تهدیدشان کند، چیزی نیست که به این سادگی پشت سر گذاشته شود. ما ۲۵۰ ساعت راش تهیه کردیم و با تک تک اعضای خانواده صحبت کردیم، آنها درد دل کردند و بسیاری از این مسائل در فیلم نیامده، اما روندی است برای این‌که انسان‌ها آرام آرام فشارهای‌شان را بیان کنند و بتوانند با هم راجع به آن حرف بزنند. به عبارتی، بین مادر و پسر و برادران بسترهایی برای گفت‌وگو فراهم کردیم. افشین خلج می‌گفت سال‌ها با برادرم به طور مستقیم درد دل نکرده بودم و این اتفاق موجب شد یکبار بنشینیم و درباره آنچه بر ما گذشته صحبت و همدلی کنیم. ما مسائلی را در فیلم بیان کردیم که حداقل از دیدگاه‌مان غیر اخلاقی نبود و بیشتر مشاهده‌گر درد بچه‌ها بودیم. بعد از سرانجام پرونده قضایی، آقای خلج به من گفت «شما چشم مرا به زندگی باز کردید. من همیشه به فکر این بودم که فرزندانم خانه و زندگی داشته باشند و پولی که بتوانند زندگی کنند اما آن قدر که درگیر این کارگاه و مشکلات مرغداری بودم هرگز فرزندانم را ندیدم و تازه با این فیلم دیدم که بچه‌ها و همسرم چقدر سختی کشیده‌اند.»



رویداد

موفقیت «در آغوش درخت» در جشنواره هند

فیلم سینمایی «در آغوش درخت» به کارگردانی بابک لطفی خواجه‌پاشا و تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی نسب و بابک خواجه‌پاشا بهترین فیلم بلند سینمای جهان در بیست‌ودومین دوره جشنواره

چنای هند شد.

جشنواره بین‌المللی فیلم چنای (CIFF) در شهر چنای هند و توسط انجمن سینمایی، بنیاد تقدیر از سینمای هند، حمایت دولت تامیل نادو، اتاق بازرگانی فیلم هند جنوبی و فدراسیون فیلم هند برگزار می‌شود. درک فرهنگ ملل دیگر و طرح برتری هنر سینما؛ کمک به درک و قدردانی از فرهنگ فیلم ملل مختلف در زمینه اخلاق اجتماعی و فرهنگی و ترویج دوستی و همکاری بین مردم جهان از اهداف جشنواره است. در این جشنواره بیش از ۱۰۰ فیلم بلند بین‌المللی از بیش از ۶۰ کشور جهان به رقابت پرداختند.

اکران

«شهر خاموش» در بسترهای نمایش مجازی

فیلم «شهر خاموش» به کارگردانی و نویسندگی احمد بهرامی از سه‌شنبه چهارم دی ساعت ۲۰ در فیلم‌نت اکران می‌شود. فیلم شهر خاموش به کارگردانی احمد بهرامی ساخته شده که پیشتر



برای فیلم «دشت خاموش» جایزه بخش افق‌های جشنواره ونیز را گرفت و به‌نازگی بافیلم «مرد خاموش» سه‌گانه خود را تکمیل کرده است. این سه‌گانه به شکل سیاه و سفید فیلمبرداری شده‌اند.

این فیلم موفق به دریافت جایزه بهترین کارگردانی از جشنواره شب‌های سیاه تالین و جایزه بهترین فیلم از جشنواره نوستالژیا شده است. فیلم شهر خاموش امسال یکی از گزینه‌های اصلی هیات انتخاب فیلم ایران برای مراسم اسکار بود، همچنین در جشن حافظ امسال جایزه ویژه کیارستمی به احمد بهرامی برای شهر خاموش داده شد. علی باقری، بابک کریمی و بهژاد دورانی از بازیگران این فیلم هستند.

قاب

یک پویانمایی جدید به اکران می‌آید

پویانمایی سینمایی «ساعت جادویی» که داستانی درباره سفر به زمان گذشته است، اواسط دی ماه روی پرده سینما می‌آید. انیمیشن ساعت جادویی ماجرای پسرچهای به نام عماد است که به‌واسطه هدیه عجیبی که از پدربزرگش می‌گیرد، به زمان کودکی مادر بزرگ و پدر بزرگش در مشهد سفر می‌کند. عماد با سفر به گذشته با شغل خانوادگی‌شان آشنا می‌شود و همراه با افراد خانواده‌اش به متحمنان مسجد گوهرشاد حرم امام رضا علیه‌السلام کمک می‌رساند. ساعت جادویی سبک زندگی ایرانی اسلامی و افتخار به آن را به کودکان می‌آموزد و آنها را نسبت به برخی مسائل تاریخی کنجکاو می‌کند.

